

نگاهی اجمالی به هنر حکاکی ایران از
کهن ترین روزگار تا عصر حاضر

حکاکی،

میراثی ارزشمند در عرصه هنر ایران

دکتر جلال الدین کاشفی



(۱): مهرهای استوانه‌ای شکل هخامنشی، متعلق به ۳۲۰ ق.م.

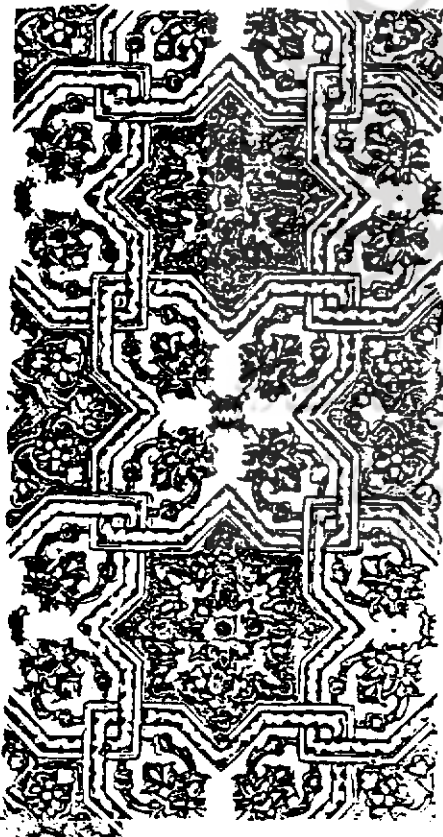
کاشی، و گاه نیز به روی پارچه و عاج و دیگر وسائلی که سطحی هموار را برای عمل طراحی و نقاشی فراهم می‌ساخت به نمایش در آورده‌اند و در اختیار نداشتن بومهای نقاشی امروزی نمی‌توانست چنین عطشی را در دل آنان خاموش نماید. بنابراین به هر کجا و به هر چه نگاه می‌کنیم جای پای نیوغ هنرمندانی را می‌بینیم که هیچگاه خود را بعنوان نقاش معرفی ننموده و مدعی چنین دست‌آوردی نبوده‌اند.

هنر حکاکی ایران که در بستر زمان به تحولاتی شگرف می‌رسد، خود وسیله بیان دیگری است که راه را برای کاربرد ارزشهای طرح و نقش می‌گشاید، همچنین زبان گویای دیگری است که به زیبایی‌های نهفته در آثار ایرانی اشاره می‌کند. مهرهای استوانه‌ای شکل هخامنشی که متعلق به حدود ۳۲۰ ق.م است، نیوغ و استعداد آنان را در حک استوانه‌های دوار به اثبات می‌رساند. آنان با بهره‌گیری از موم که هم به جای سطحی زیرین، و هم به جای جوهر و رنگ بکار می‌رفت به ترسیم اشکال انسانی و حیوانی می‌پرداختند

بر طبق شواهد تاریخی بدست آمده، نخستین آثار هنری انسان به ۲۰,۰۰۰ سال پیش تعلق دارد و بوضوح روشن شده است که نه تنها هنرمندان ایرانی، بلکه هنرمندان سراسر این کره خاکی، در هر کجا که بوده‌اند، بر حسب نیازهای زمان و مکان، نیوغ و استعداد خود را به اثبات رسانده و با بکارگیری هر وسیله‌ای که در دسترس خویش داشته‌اند به هنرنمایی پرداخته و در این راه، طرح و نقش خود را بر پهنه هر سطحی که جوابگوی نیاز درون آنان بوده نشانده‌اند. آنان در ادوار تاریخی، به اثبات رسانده‌اند که نه تنها از سطوح مجذب و مقعر کوزه‌ها و کاسه‌ها در ترکیب بندی فرم و نشست تناسبات دقیق اشکال نه‌راسیده و آن را مانعی فراراه خویش نپنداشته‌اند، بلکه با کوتاه‌نمایی اندام‌ها چنین سطوحی را هماهنگ با طراحی و نقاشی خود نموده‌اند.

بی‌تردید هنرمندان ایرانی نیز با آن گذشته‌بالنده که حدود ۱۲۰۰۰ سال تمدن را بدوش می‌کشند بی‌هیچ پروائی هنر طراحی و رنگ‌آمیزی خود را گاه به روی سنگ و سفال و گچ، گاه به روی چوب و شیشه و

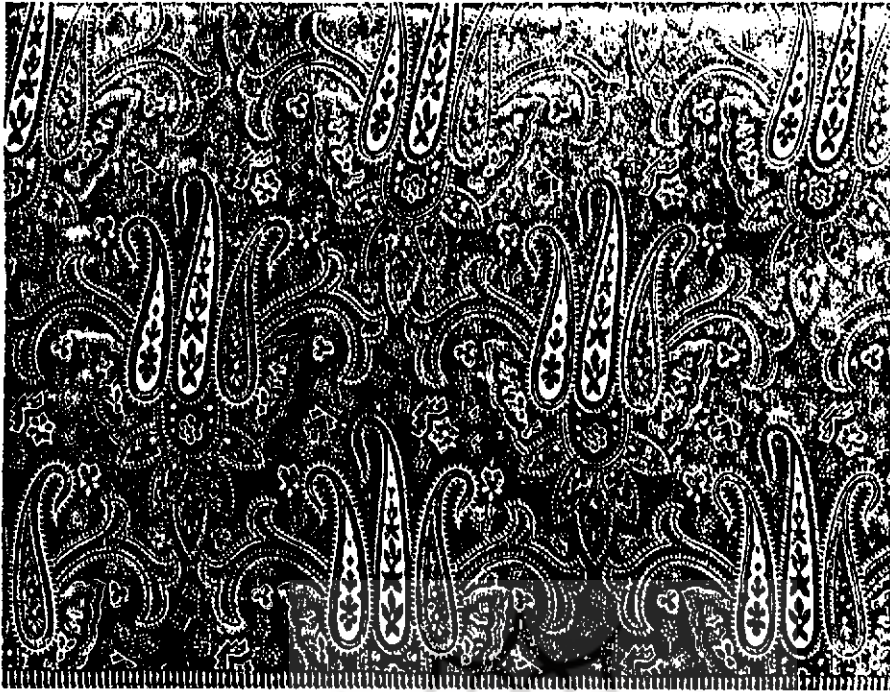
و تناسب اندام حیوان و انسان را که در استوانه‌های دوار رعایت کرده بودند با غلطاندن استوانه‌ها به روی اشیاء و اسناد درباری. به صورت نقش برجسته (بارولیف) ارائه می‌دادند که کوچکترین خلی در ترسیم اندازه‌ها و نمایش عضلات، پوست، و البسه پیکره‌های نیم برجسته انسانها و نقش گل و گیاه و دیگر شکل‌های فیگوراتیو بوجود نمی‌آورد. این اشکال نیم برجسته قدرت نمایشی و سطوح تیره و روشن خود را زمانی عیان می‌ساختند که نور بر آن برجستگیها و فرورفتگیها می‌تابید. جا دارد متذکر شویم که این همه دقت و ظرافت در اشیایی چنین ریز و کوچک گواه ذوق و سلیقه هنرمندانی است که با امکانات محدود حضور خود را در عرصه هنر ایران اعلام داشته‌اند. بویژه اینکه خوب می‌دانیم عمل کندن و حکاکی نمودن، دشوارتر از بکارگیری قلم مو بر روی



(۳): قلمکار نقش سیدی، متعلق به قبل از صفویه در اندازه ۱۵×۳۰ سانتیمتر.



(۲): مهر استوانه‌ای شکل هخامنشی، سنگ، به ارتفاع ۲ سانتیمتر.



(۴): طرح قلمکار، پارچه کتان نخجوان، حدود اواخر صفویه و اوائل قاجار، ۲۵×۱۹ سانتیمتر.

(۵): قلمکار، پرنده به روی زمینه آبی متعلق به دوره قاجار، ۲۹×۱۷ سانتیمتر.



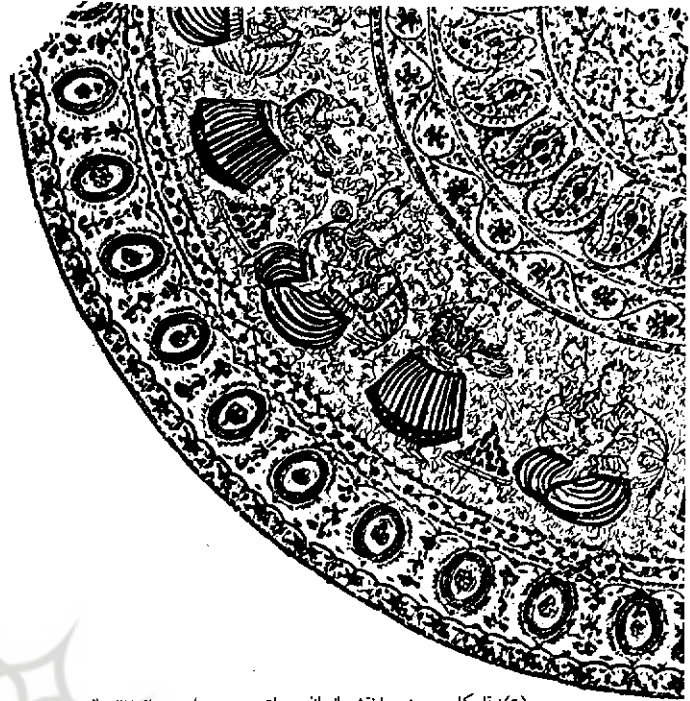
کتاب القانون فی الطب

لابرکلی الشیخ الیهین

ابن سینا

مع بعض تالیف و هو علم المنطق و علم الطبیبی
و علم الکلامR O M A E,
In Typographia Medicea.
M. D. X C I I I.
Cum licentia Superiorum.

۱۵۹۳



(۶): قلمکار، رومیزی با نقش انسان، متعلق به دوره پهلوی، ۲۷×۲۰ سانتیمتر.

(۷): القانون فی الطب ابن سینا، حکاکی به روی چوب، رُم متعلق به ۸۱۰۰۲ ق.

تپه یحیی بُنی سنگی بدست آمد که پیشینه و عمر این صنعت و هنر را تا سال ۴۵۰۰ ق م نشان می دهد. این سنگ سبز را هنوز هم از این منطقه استخراج می کنند و به مشهد می فرستند و بدین ترتیب رشته پیوسته هفت هزار سال تاریخ این صنعت و هنر محلی را از گسستگی و انحطاط می رهانند. بی تردید شواهد تاریخی موجود که در این سرزمین یافت شده است گواه هنر آفرینی این هنرمندان بشمار می رود، بویژه اینکه انعکاس نقوش مطروحه را متعاقباً در دیگر آثار ایرانی شاهد هستیم.

هنرمندان ایرانی در ترسیم نقوش پارچه های قلمکار، با استفاده از قالب های چوبی کنده کاری شده و با سود جستن از رنگهای طبیعی به هنرنمایی پرداخته و بخوبی توانسته اند صفحه زرین دیگری را بر دامنه هنرهای ایرانی بکشایند. هنرمند قلمکار گاه از طراحی و

سطوحی صاف و یکدست است (تصاویر ۱ و ۲). از دیگر آثار بدست آمده تاریخی می توان به ظروفی اشاره کرد که متعلق به ۲۴۰۰ تا ۲۳۰۰ ق م است و در گور ملکه پویائی واقع در اور یافت شده است. این ظروف که در نهایت ظرافت حکاکی گشته، از سنگ سبز رنگی است که گمان می رفت در کولی واقع در هر پا، یعنی در وادی سند شکل گرفته است، اما در قرن حاضر، به سال ۱۳۴۹ هـ ش حفاریهای دامنه داری در تپه یحیی واقع در کرمان صورت پذیرفت و کارگاه های سنگ تراشان از زیر خاک بیرون آمد که سرشار از آثار حکاکی شده ناتمام بود؛ سپس در نزدیکی آن، معادن متروک پیش از تاریخ پیدا شد و آزمایشهای فیزیکی و شیمیایی تأیید کرد که سنگ سبز یاد شده از همان جنس سنگ اور و هر پا است. همچنین در حفاریهای



(۹): آلبوم تصاویر عامیانه اسپانیا، چاپ سنگی، آبرنگ، متعلق به دوره قاجار ۱۷۸۷م.

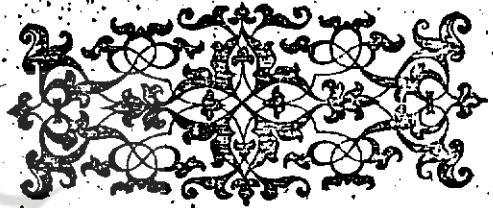
حفظ و حراست نموده‌اند (تصاویر ۳ تا ۶). در این تصاویر شاهد بکارگیری نقوشی هستیم که نه تنها در هنر کاشی‌کاری، بلکه در دیگر هنرهای ایرانی نیز بکاررفته است.

هر چند عمل حکاکی (گراور) که به عنوان چاپ‌های دستی در ایران مشهور است؛ هنرمند حکاک را غالباً با محدودیت در تنوع رنگداری مواجه می‌کند، و مشکلات فراوانی در رنگ‌آمیزی آثارش بوجود می‌آورد، معذک، زمانیکه او نیاز حضور رنگی را احساس می‌نماید، به هیچ وجه از بکار بردن رنگ عاجز نمی‌ماند. در واقع هنرمندانی که با صبر و حوصله وصف ناپذیر در سطوحی کوچک به ارائه پیچیده‌ترین طرحها می‌پردازند چگونه ممکن است از محدودیت و دشواری رنگداری در حکاکی بهرسانند؟ جا دارد متذکر شویم، که این هنرمندان حتی زمانیکه امکان رنگداری در حکاکی را نداشته و با چنین تکنیکی آشنا نبوده‌اند، گاه اتفاق افتاده که بعد از اتمام آثار خویش آنها را با رنگهای گوناگون آراسته‌اند.



کتاب النجاة

مختصر الشفا لابن سینا



(۸): النجاة مختصر الشفا ابن سینا، حکاکی به روی چوب، رقم

رنگ‌آمیزی کاشی‌ها و گاه نیز از دیگر هنرهای ایرانی تقلید و یا الهام می‌گیرد، زیرا در ارائه باره‌های اندیشه و تفکر که در طراحی و رنگ‌آمیزی اثرش بکار می‌بندد همان ارزشهایی را برمی‌گزیند که در دیگر آثار ایرانی رخ نموده است. آنان در واقع از وحدت اندیشه سود می‌جویند و راه خود را از اسلاف خویش جدا نمی‌پندارند و این ارتباط و همبستگی را در گذر تاریخ



(۱۰): هزار و یک شب، اثری از میرزا حسن اصفهانی، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۷۵ ه. ق.



(۱۱): حامل المثنی جامع الشرحین، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۶۵ ه. ق.

گردد، این عمل را به روی سنگ انجام می دادند، ولی به علت سختی تراش سنگ و اشکال حمل و نقل آن - و به علت سنگینی و وزن زیاد - بزودی چوب جایگزین الواح سنگی گردید و به همین مناسبت گراور به روی چوب نامیده شده است. طرز عمل نیز بدین ترتیب بوده که ابتدا طرح تصویر را به روی چوب ترسیم می کردند و یک یا چند متخصص این فن اطراف

از اولین آثاری که توسط حکاکسی به روی چوب ساخته و پرداخته شد، می توان به کتاب قانون در طب و یا به کتاب نجات ابن سینا اشاره کرد که به سال ۱۰۰۲ هجری قمری، مطابق با ۱۵۹۳ میلادی در رُم شکل گرفت و چه بسا حضور چنین نمونه هایی در ایران سبب رشد این تکنیک و هنر شده باشد. (تصاویر ۷ و ۸).

در اروپا قبل از اینکه گراور به روی چوب متداول

طرح مزبور را می‌تراشیدند تا بقدر کافی گود شود و تصویر بصورت برجسته درآید، سپس به روی طرح، مرکب مخصوص حکاکی قرار می‌دادند و نقش مزبور را به روی کاغذ یا پارچه چاپ می‌کردند. پارچه‌های قبطی قرون چهاردم، پنجم و ششم میلادی با همین اسلوب چاپ گردیده و نمونه‌های آن در موزه لوور پاریس موجود است. در فرانسه برای اولین بار به سال ۱۳۷۰

(۱۲): حبیب‌السیری اخبار افراد بشر، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۷۳ هـ. ق.



(۱۳): تذکره الخطاطین، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۹۱ هـ. ق.

میلادی گراوور به روی چوب بکار برده شد؛ لیکن در دوره‌های جدید که مواد تازه‌ای اختراع گردید بجای چوب از لیتوئوم استفاده نموده‌اند.

درباره «چاپ سنگی» ایران یا «لیتوگرافی» نیز باید گفت: هر چند که در واقع نقش به روی سنگ حک نمی‌شود، اما این تکنیک و هنر در زمره آثار گراوور مطرح شده و دامنه وسیعی را در اختیار هنرمندان قرار داده است. در این روش، تصویری که با مرکب و یا رنگهای مخصوص لیتوگرافی به روی سنگ ترسیم می‌شود، بطور معکوس به روی کاغذ منتقل می‌گردد.



(۱۴): روزنامه سفر از تهران الی کربلا و نجف، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۸۷ ه. ق.

چاپ سنگی در ایران رونق بسزائی داشته و تمامی راز و رمزهایی که در مینیاتورهای ایرانی دیده می شود، در کتاب های چاپ سنگی نیز مشاهده شده است. آثاری از این دست، اغلب اتفاق افتاده که به دست صاحبان ذوق و یا دارندگان کتاب و یا احتمالاً بدست نگارگر لیتوگراف رنگ آمیزی شده است (تصاویر ۹ و ۱۰). تصویر ۹ که از آلبوم گراورهای دوره قاجار است رنگ آمیزی هنرمند یا صاحب آلبوم را با آبرنگ نشان می دهد و تصویر ۱۰ که از مجموعه تصاویر کتاب هزار و یک شب و متعلق به ۱۲۷۵ هجری، مطابق با ۱۸۵۸



(۱۵): روزنامه سفر از تهران الی کربلا و نجف، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۸۷ ه. ق.

میلادی می باشد نمونه دیگری است که بکارگیری آبرنگ را به روی نقش چاپ سنگی ارائه می دارد. از ابتدایی ترین نمونه های چاپ سنگی می توان به کتاب حامل المتن جامع الشرحین که متعلق به ۱۲۶۵ هجری قمری و کتاب حبیب السیر که متعلق به ۱۲۷۳ هجری قمری و یا به تذکرة الخطاطین که به امتحان الفضلا نیز شهره است و متعلق به ۱۲۹۱ هجری قمری است و بسیاری دیگر از این دست اشاره کرد (تصاویر ۱۱ تا ۱۳). نمونه های مطروحه، هر چند که از رنگ آمیزی بی بهره اند. معذک تمامی سجایای

تذهیب کاری، تشعیر، تزئین و دیگر خصوصیات مینیاتورسازی ایران را در خود حفظ نموده اند.

از اواخر نیمه دوم سده سیزده هجری قمری، با به تصویر کشیدن سفرنامه های ناصرالدین شاه به عنوان روزنامه های وقت، چون روزنامه سفر از تهران الی کربلا و نجف متعلق به ۱۲۸۷ ه. ق و یا روزنامه سفر به مدینه که متعلق به ۱۲۹۴ ه. ق است و یا با به تصویر

کشیدن کتبی چون کلیله و دمنه، یوسف و زلیخا، خمسة نظامی و یا مجموعه طلسم اسکندر، فصل دیگری در ترسیم کتابهای نفیس چاپ سنگی گشوده می شود (تصاویر ۱۴ تا ۲۱).

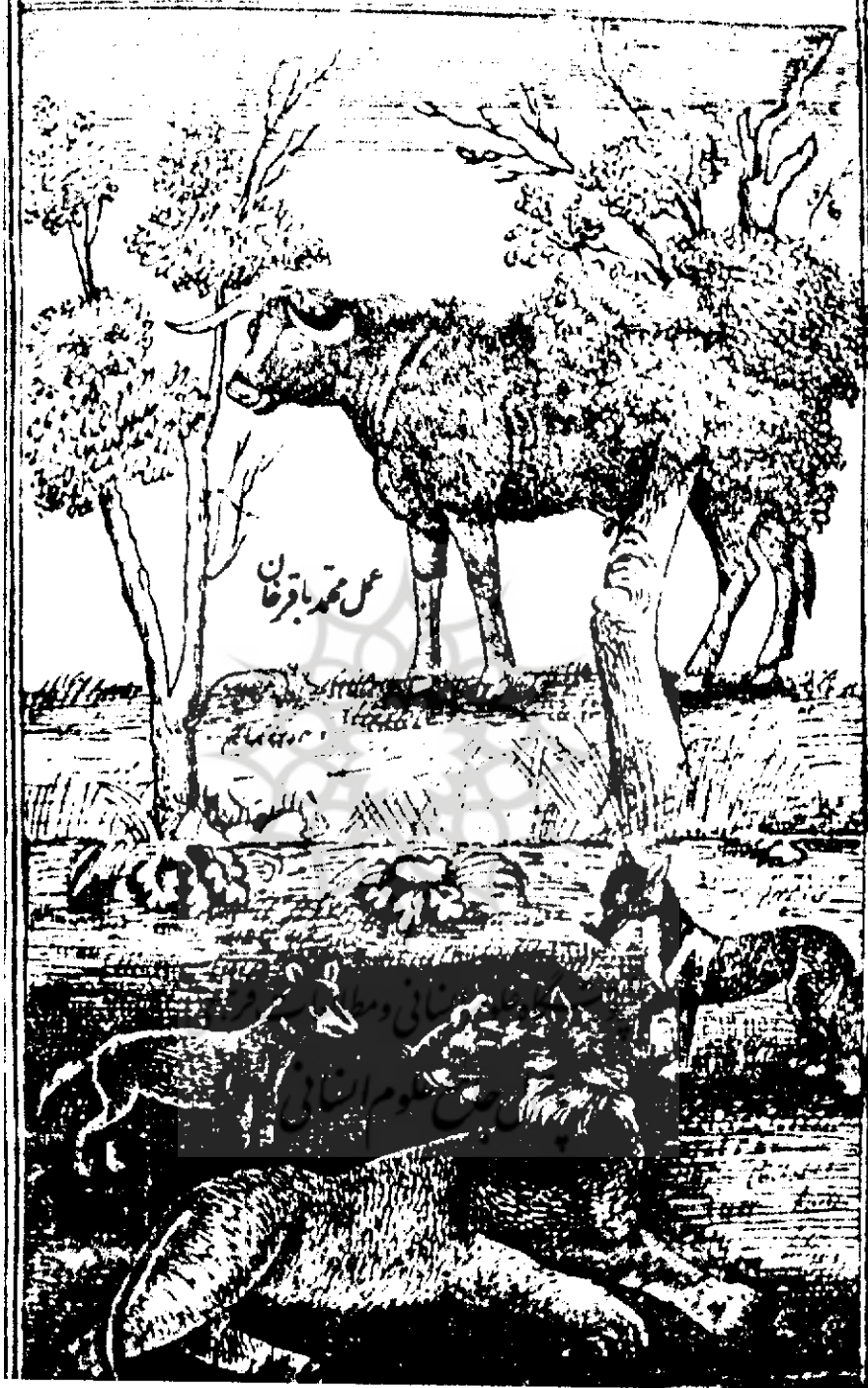
از آنجائیکه چاپ سنگی در تکثیر کتب و تصاویر هنری مشکلات فراوانی داشت و به گنبدی صورت می گرفت، با ورود چاپ سربی و سرعت بیشتر در تکثیر،

(۱۶): روزنامه سفر به مدینه، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۹۴ ه. ق.

(۱۷): کلیله و دمنه، اثر میرزا جعفر، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۸۲ ه. ق.



صورت شیرکشترب و دونه



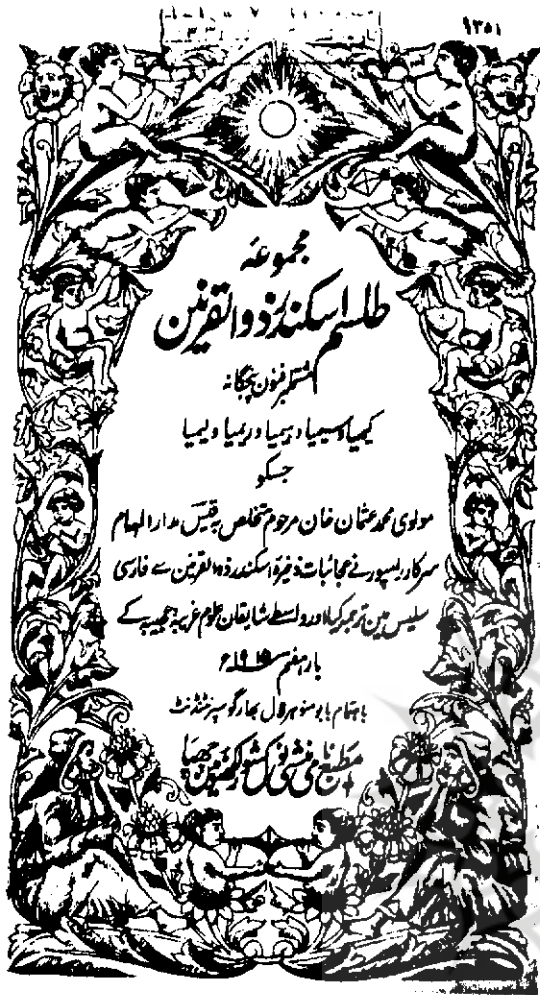
(۱۸): کلیله و دمنه، اثر محمد باقرخان، چاپ سنگی، متعلق به ۱۲۸۲ ه. ق.

<p>جای هر که در آن می آید خارج می شود و هر که در آنجا می آید در آنجا بماند و هر که در آنجا نماند در آنجا نماند هر که در آنجا نماند در آنجا نماند</p>	<p>میزبانان و صاحبان بقدر وزن یوسف مشک و زعفران برای دینار و عیار باخت زعفران در انواع نقایس میفرودند مضاعف ساختن آنها را بجای</p>	<p>میزبانان دیگر در شن برای افزودن لنتند و دیگر بدر نقاشی نایب در کفون بدین نقاشی ترقی میجویند زلفی گشت از آن میخیزد</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------



<p>هر که در آنجا نماند در آنجا نماند</p>	<p>پس را تو فو میدی نشسته برو با ما که این قیمت پیاپی ز مشک و کومر و زرد و زعفران دای آن تمام از من کج آید جمع کله رچی رز کو ۱۰</p>	<p>غزیدان و بکوب لب لیبند عزیر مصدر گفت ای نخور کجما آنچه من دارم در نینه بیک نیمه بهایش بر نیا بد زلفا داشت در جی بر ز کوه</p>
----------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

(۱۹): یوسف وزلیخا، از محمد کربلایی و آقا میرزا هاشم، چاپ سنگی و آبرنگ، متعلق به ۱۲۹۳ ق.



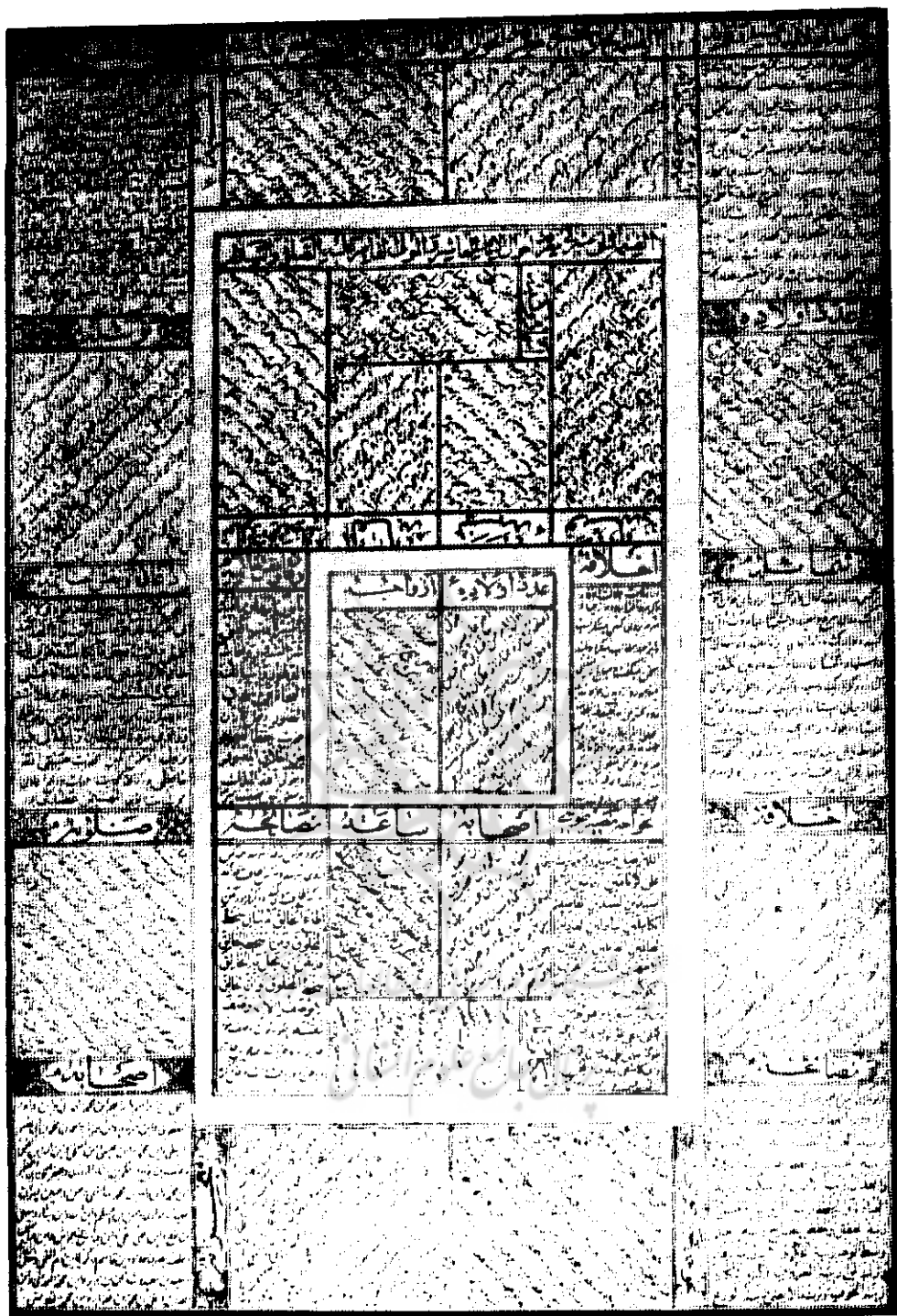
(۲۱): مجموعه طلسم اسکندر ذوالقورین، چاپ سنگی، متعلق به ۱۳۳۴ ه. ق.

باشد که جهت حفظ دست آوردهای مذهبی و ادعیه‌های دینی تا چاپ سه رنگ، آبی، قرمز و سبزی می‌رود و گاه نیز از آبی، قرمز و بنفش در مجموعه آثار خود سود می‌جوید. (تصویر ۲۲).

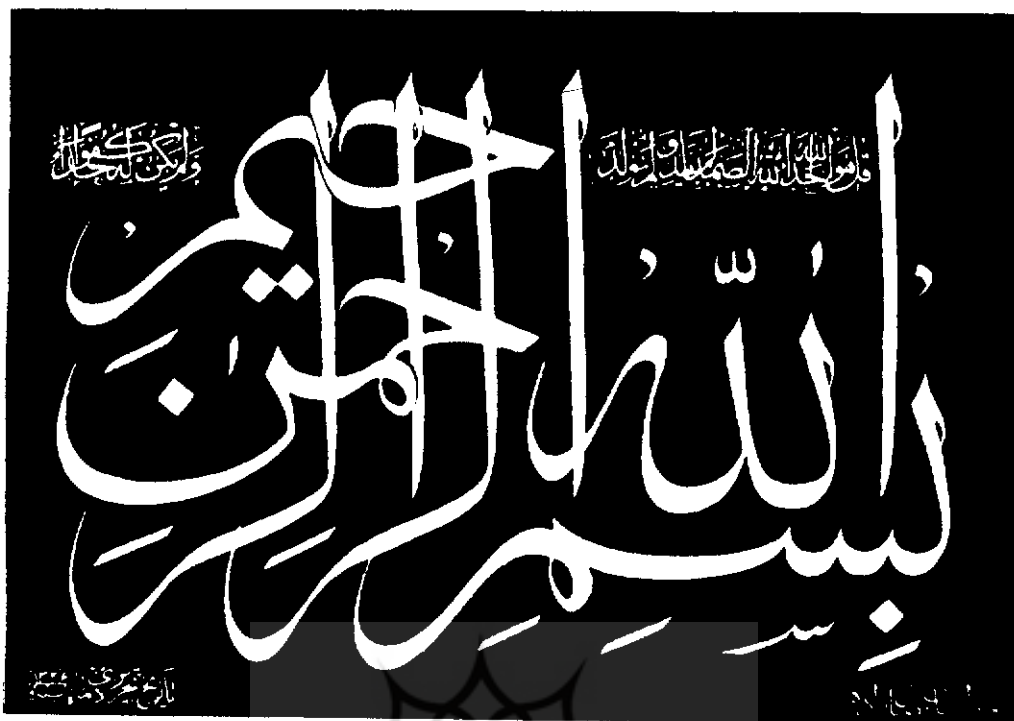
با گسترش هنر حکاکی در غرب، غالباً، نقاشان آن سامان به هنر گراورسازی نیز توجه نموده و آثار ارزشمندی در حیطه حکاکی به روی فلزاتی چون مس، روی و یا آلومینیوم بوجود آوردند. بطور مثال می‌توان به آثار حکاکی آنتونیو پولا یونولو (۱۴۳۱-۱۴۹۸ م) آندرتا

(۲۰): خمسة نظامی، اثر میرزا نصرالله، چاپ سنگی، متعلق به ۱۳۳۴ ه. ق.

طریقه تازه‌ای به فن کتابت ایران افزوده گردید. یکی از روحانیون که برای نخستین بار چاپ سربی را در شیراز بکار گرفت، میرزا احمد تبریزی است که به میرزا احمد خوشنویس و همچنین به وحید الاولیاء شهرت دارد. وی در چاپ سنگی مهارت داشته و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری با سفر به بمبئی، یک دستگاه ماشین چاپ به انضمام چرخ سوزن‌زنی و کاغذبری و صحافی که با دست و پا کار می‌کرد خریداری و به شیراز حمل می‌نماید. وحید الاولیاء شاید از نادر کسانی



(۲۲): احوالات چهارده مصوم، اثر سعید الاولیاء. چاپ سنگی، سه رنگ، متعلق به ۱۳۴۵ ه. ق.



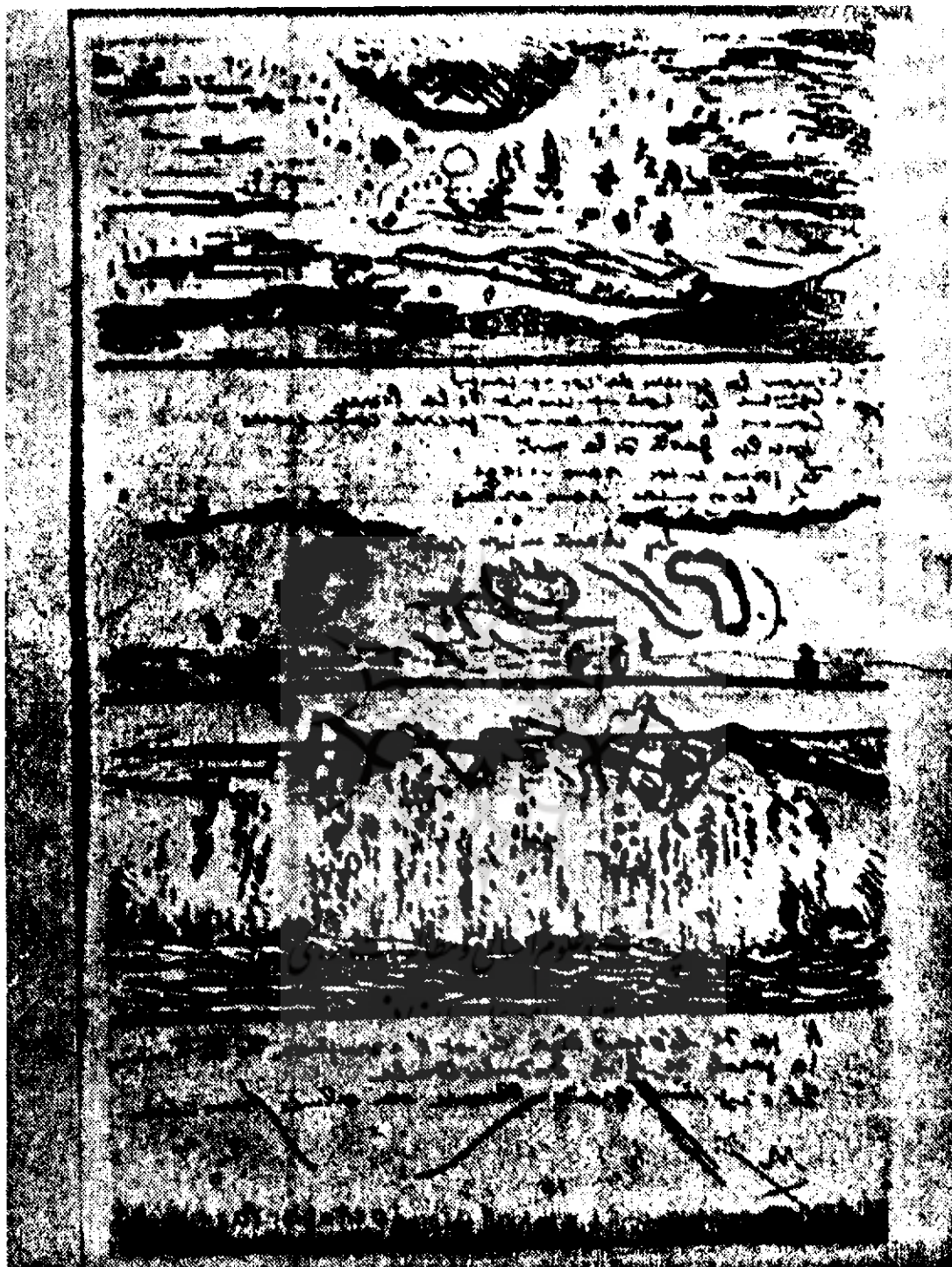
(۲۳): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اثر مصباح زاده حکاکای تیزابی، متعلق به ۱۳۲۶ ه. ش.

(۲۴): اثری از مارکو گریگوریان، لیتوگرافی، رُم، متعلق به ۱۳۵۱ ه. ش.

مانتینیا (۱۴۳۱-۱۵۰۶ م) هنرمندان ایتالیایی، آلبرشت دورر (۱۴۷۱-۱۵۲۸ م) هنرمند آلمانی پتر، پُل روبنس هنرمند هلندی و بعدها به آثار هنرمندانی چون گویا، دومیه و سپس به آثار نقاشانی چون ماتیس، پیکاسو و پراک اشاره نمود. با توسعه و تحول این فنون و سفر مارکوپولو و یا شاردن به ایران؛ در هامبورگ گلستان سعدی و دیگر آثار شعرای ایران و یا سفرنامه‌های ماکوپولو و شاردن به صورت «گراوور» به چاپ می‌رسد و نمونه‌هایی از این دست را به ایران می‌فرستند که مورد توجه درباریان و هنرمندان ایرانی وقت قرار می‌گیرد.

در عصر حاضر نیز حکاکای به روی فلزات و استفاده از اسیدهای گوناگون در ایران رواج یافته و هنرمندان نقاش نیز اکثراً چون هنرمندان غرب به فراگیری حکاکای و استفاده از امکانات تکثیر و دیگر خصوصیات گراوورسازی در ارائه آثار خویش پرداخته‌اند. آثاری که





(۲۵): اثری از همایون مظاهری، گراووریا اسید، متعلق به حدود ۸۱۳۵۲ ش.

امروزه به دست هنرمندان ایرانی و با دیگر هنرمندان حکاک در جهان ساخته و پرداخته می شود از چنان تنوعی برخوردار است که برای گروهی جای نقاشی را گرفته و در هر قسمت آن با تخصصی خاص بطور جداگانه به پیش می روند. هنرمندان اروپائی با گسترش روزافزون فنون حکاکی راه خود را از صنعتگران و متخصصین چاپ جدا کرده و دستاوردهای چاپ های دستی را که گوتنبرگ مبتکر آن بود- جهت تکثیر آثار هنری- حفظ و حراست نموده اند.

از هنرمندان عصر حاضر ایران که در این زمینه به فعالیت پرداخته اند می توان به عباس مصباح زاده، هوشنگ پزشک نیا، محمود جوادی پور، رضا فروزی، پرویز تساولی، رضا بانگیز، درخشنده زعیمی، مارکو گریگوریان، همایون مظاهری، ناهید حقیقت، ابراهیم احراری، نوریان، جعفر روحبخش، ژنا جلیلی و بسیاری دیگر اشاره کرد.

عباس مصباح زاده به روش حکاکی تیزابی (حکاکی به روی فلز به وسیله اسید) علاقمند می گردد و با سود جستن از خط به هنرنمایی می پردازد. اکثر آثاری که او بوجود آورده، به صورت منفی (نگاتیو) است. یکی از آثاری که وی به سال ۱۳۲۶ هجری شمسی به طریقه حکاکی تیزابی ساخته و پرداخته، «بسم الله الرحمن الرحیم» می باشد که به صورت منفی ارائه داده است. این اثر که با مرکب سیاه به روی کاغذ سفید شکل گرفته است. در ترکیب بندی خطوط ریز در کنار درشت و خطوط عمودی در تقابل با افقی و سرانجام در استتار خطوط مورب به فضا سازی و زیبایی های بصری ارزشمندی رسیده است که یادآور تضاد بین نور و ظلمت و یا روشنایی و تاریکی است بویژه که از نام خداوند و آیات قرآنی بهره جسته و از بکارگیری رنگهای مشعش دوری نموده است (تصویر ۲۳).

هوشنگ پزشک نیا، هنرمند دیگری است که به حکاکی روی چوب دل می بندد و با گرایش به



(۲۶): اثری از ناهید حقیقت، حکاکی با اسید، نیویورک، متعلق به ۱۳۵۴ ه.ش.

(۲۷): اثری از ابراهیم احراری، حکاکی تیزابی، برلین، متعلق به ۱۳۵۵ ه.ش.



واقع‌گرایی و بیان اکسپرسیونیستی خویش به جلوه‌های فقر و تهی‌دستی می‌پردازد و روح پریشان انسانهای سرگشته را به تماشا می‌گذارد. از آن‌رو که به زندگی و آثار هوشنگ پزیشک‌نیا در فصلنامه هنر، شماره سیزدهم، صفحه ۲۲۳ پرداخته گردیده، در این مجموعه به همین حد اکتفا می‌شود و مشتاقان هنرش را به آنجا ارجاع می‌دهیم.

محمود جواد پور با بکارگیری زیبایی‌های نهفته در هنر مینیاتور به حکاکی چند رنگی می‌پردازد و فضایی شرقی را ارائه می‌دارد. وی در اثری بنام «مینیاتور ایرانی» چنین فضایی را تجسم بخشیده و در این رابطه از رنگ مایه‌های شرقی، بویژه ایرانی سود جسته است.

رضا فروزی نیز به لیتوگرافی (چاپ سنگی) چند رنگی پرداخته و در این راه از موضوعات ایرانی، چون «زن ترکمن» بهره برده است. از آنجائیکه به این دو هنرمند نیز در فصلنامه هنر، شماره پانزدهم اشاره شده است، در این مجموعه از تکرار خودداری می‌گردد و پژوهندگان را به صفحات ۴۸ و ۴۹ (تصاویر ۱ و ۴) همان فصلنامه ارجاع می‌دهیم.

رضا بانگیز نیز با استفاده از لیتولوم (ماده‌ای چون کف‌پوش) به هنرنمایی می‌پردازد و صحنه‌های دهقانی و کارگری را با روش خاص خویش به تماشا می‌گذارد. درخشنده زعیمی با بکارگیری حکاکی تیزابی به موضوعات اساطیری و یا رؤیاگونه پرداخته و با سود جستن از سیاه و سفید و خاکستری‌ها بخوبی توانسته است جهانی سحرانگیز و خیالی را که با مینیاتور بیگانه نیست به تصویر کشد.

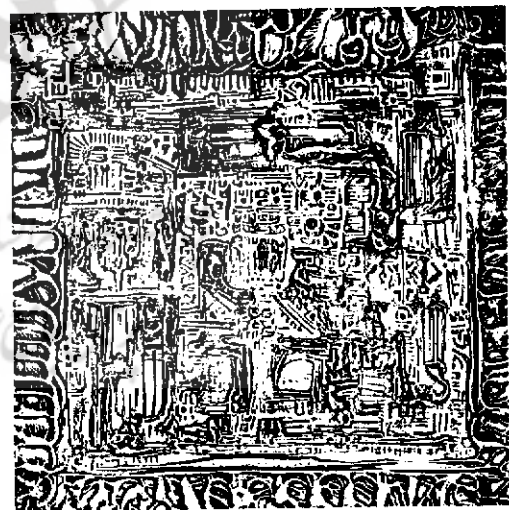
مارکو گریگوریان با بکارگیری لیتوگرافی دررُم به تجربه‌های خود می‌افزاید و آثار ارزشمندی را که در مسیر شیوه نقاشی اوست به جهان هنر ایران ارائه می‌کند. یکی از آثاری که به سال ۱۳۵۱ هجری شمسی دررُم و در حیطه لیتوگرافی بوجود آورد، حکایت از سیالیت قلم و جیره‌دستی وی در این زمینه دارد (تصویر ۲۴).



(۲۸): اثری از نوریان، لیتوگرافی، تهران، متعلق به ۱۳۵۶ ش.



(۲۹): اثری از جعفر رجبختش، حکاکی کربودانم‌هنرم‌پزش، + کولاز، در تونالیته‌های رنگی، فرانسه، متعلق به ۱۳۵۶ ش.





(۳۰): کودکان در زیر نور ماه، اثر ژان جلیلی، پاریس ۱۳۵۶ ه.ش.

به پایان رسانده و در بازگشت به ایران به تدریس این رشته‌ها، با تمام فقدان‌ها و کمبودها - از قبیل در اختیار نداشتن دستگاه پرس مخصوص حکاکی (چوب، فلز و سنگ) و بویژه پرس لیتوگرافی که هنوز هم این کمبود را حتی در دانشکده‌های هنری تهران نیز می‌بینیم - پرداخته‌اند.

امید می‌رود، روزی بتوانیم این کمبودها را که با اندک تلاش و هزینه برطرف می‌گردد، از سر راه هنرجویان برداشته و شاهد شکوفایی استعداد‌های آنان در این زمینه باشیم.

درخاتمه قابل ذکر است، با توجه به تحولات صنعتی - هنری، و سرانجام گستردگی این مبحث که در بستر تاریخ شکل گرفته است، بررسی بیشتر را - در دوره‌های گوناگون - به فرصتی دیگر موکول می‌نمائیم.

همایون مظاهری، ناهید حقیقت، ابراهیم احراری، نوریان، جعفر روحبخش و ژنا جلیلی از هنرمندانی هستند که پس از تجربه‌اندوزی‌های بسیار، به هنر انتزاعی گرایش یافته و با سود جستن از حکاکی بر روی فلز به هنرنمایی پرداخته‌اند (تصاویر ۲۵ تا ۳۰).

امروزه، با توجه به پیشینه‌کننده‌کاری، حکاکی و چاپ سنگی (لیتوگرافی) در ایران - هر چند که چاپ سنگی به دلیل رونق انواع چاپ و به بازار آمدن ماشین‌های مُدرن به فراموشی سپرده شده، و از مسیر هنری خویش خارج گردیده - هنر حکاکی با تنوع بیشتری به حیات خود ادامه می‌دهد، زیرا در اثر ارتباط روزافزون ما با غرب و با گسیل داشتن و سفر نمودن هنرمندان ایرانی به دیار فرنگ شاهد گسترش امکانات وسیع‌تری هستیم. جا دارد متذکر شویم که اکثر هنرمندان یاد شده تحصیلات خود را در اروپا و یا آمریکا